

نقد و بررسی کتاب فارسنامه ناصری

مریم صفائی^۱

چکیده

کتاب‌شناسی و شناسایی دقیق منابع، اولین گام برای پژوهش در هر رشته و موضوع است. بدون اشراف به منابع و مراجع، نمیتوان به هیچ تحقیقی دست زد. درباره کتاب‌شناسی خلیج فارس، منابع چندی موجود است؛ اما با توجه به میزان استقبال جامعه علمی و حتی مردم عادی، نسبت به مسائل خلیج فارس از طرفی و ضرورت مطالعه این آبراه از طرف دیگر، به انضمام گستردگی موضوع، هنوز جای زیادی برای معرفی و نقد و بررسی منابع آنجا وجود دارد. این مقاله، به معرفی و نقدی نه‌چندان مفصل، درباره یکی از قدیمیترین منابع مکتوب و مهم خلیج فارس در عصر حاضر؛ یعنی فارسنامه ناصری، اثر حسینی فسایی (تألیف: اوایل قرن چهاردهم هجری قمری) میپردازد؛ اثری که آنرا در عصر جدید، نقطه انتقال دانش قدیم به روشهای علمی تحقیق، در مطالعات مربوط به خلیج فارس دانسته‌اند. بنابراین، مقدمه؛ زندگینامه کوتاه مؤلف؛ آثار حسینی فسایی؛ ساختار کتاب؛ جایگاه و اهمیت فارسنامه ناصری در مطالعات خلیج فارس‌شناسی که در واقع، نتیجه پژوهش را نشان داده، قسمت‌های مختلف این نوشتار را تشکیل داده‌اند. روش تحقیق توصیفی و پژوهش بشیوه مطالعات کتابخانه‌یی انجام شده است.

کلید واژگان

خلیج فارس؛ فارسنامه ناصری؛ سرگذشت‌نامه؛ کتاب‌شناسی

۱. کارشناس ارشد کتابداری و مدیر اجرایی فصلنامه مطالعات خلیج فارس.

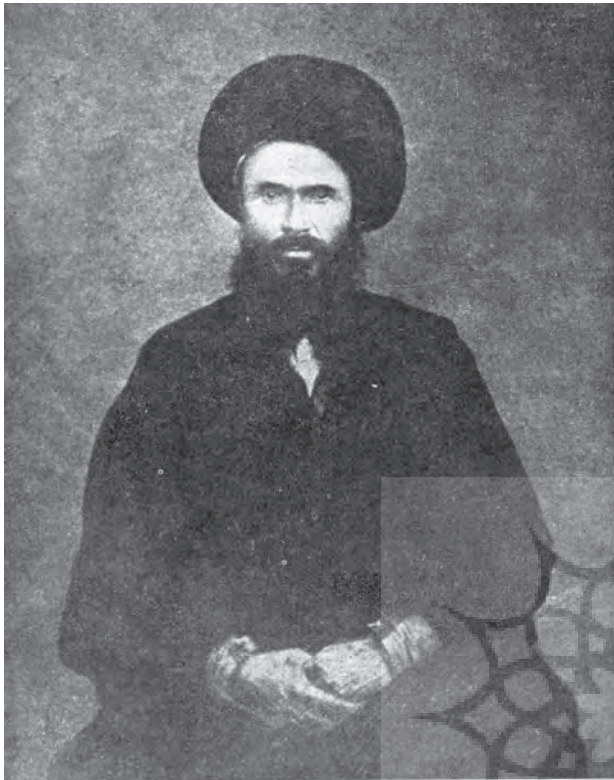
مقدمه

آنچه تحقیق‌های امروزی را از نوشته‌های قدیم جدا کرده، استفاده از روشهای نوین در گردآوری اطلاعات؛ رویکرد نو بر اساس روشهای علمی جدید (نشأت گرفته از پیشرفتهای متأخر اروپا) و نیز شیوه تدوین و ارائه اطلاعات در قالب کتاب یا مقاله است. تا حدود یکصدسال پیش، شناخت ایرانیان درباره خلیج فارس، یک شناخت سنتی و قدیمی، به همان شیوه‌های منابع و متون کهن (مانند کتاب فارسنامه، اثر ابن بلخی) بود؛ یعنی تا قبل از آن، هنوز تحقیق به روشهای علمی امروز رواج نیافته بود؛ بعنوان مثال، کتاب فرهنگ الاخبار تاریخ و جغرافیای فارس، اثر محمدجعفر خورموجی که در اواخر قرن دوازدهم هجری قمری، نوشته شده از همان الگوهای تاریخ و جغرافیای نویسی سنتی ایران، پیروی کرده است.

از آنجا که کتاب فارسنامه ناصری در شمار نخستین آثار نگاشته شده، در مورد خلیج فارس و خلیج فارس‌نویسی، به سبک جدید و علمی قرار میگیرد، در این نوشتار بدنبال پاسخ به این سؤال هستیم که «جایگاه فارسنامه ناصری در مطالعات خلیج فارس‌شناسی چیست و در نهایت چه دستاوردهایی را برای آن منبع با ارزش میتوان برشمرد؟».

کتاب فارسنامه ناصری، اثر میرزا حسن حسینی فسایی که نگارش آن در حدود سال ۱۸۹۳ م. / ۱۳۱۱ ه.ق. به پایان رسیده است، نقطه انتقال نوشته‌های قدیم با تحقیق‌هایی به

بود و چندین قرآن و زادالمعاد نوشت که هدیه هر کدام از صد تومان میگذشت» (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱/۱۵).



شادروان حاج میرزا حسن حسینی فسایی، مؤلف فارسنامه ناصری؛ مأخذ: (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۱۱۸).

میرزا حسن حسینی فسایی، ابتدا نزد ابوالحسن خان مجتهد فسایی مقدمات علوم را فرا گرفت و در ادامه به محضر حاج شیخ مهدی مجتهد کجوری مازندرانی رسید و «علوم شرعیه» و «ریاضیات» را نزد او آموخت. وی طبابت را نزد میرزا سید علی نیاز فرا گرفت و در این دانش نیز بشهرت رسید. حسینی فسایی در سال ۱۲۷۵ هـ.ق. به همراه عبدالباقی میرزا، والی لارستان، به بندر نایبند رفت و در آنجا ناظر فروش صدف، به انگلیسیها و حمل آن به اروپا بود. وی در سال ۱۲۷۷ هـ.ق. مدتی در بوشهر، میهمان حاجی عبدالنبی، تاجر بوشهری، بود و در سال ۱۲۸۷ هـ.ق. از راه دریا به مسقط رفت و از آنجا برای انجام فریضه حج، عازم مکه و مدینه شد. در سال ۱۲۹۲ هـ.ق. به همراه احتشام الدوله پسر معتمدالدوله فرهاد میرزا، به بندر دیلم رفت و در آنجا هم به مطالعه جغرافیا پرداخت. سه سال بعد و پس از مسافرت وی به بندر گناوه، در سال ۱۲۹۷ هـ.ق. با کشتی تجاری به جزیره خارک رفت و اندازه دقیق آن جزیره را

روش جدید در مطالعات خلیج فارس است (انوری، ۱۳۹۰: ۴۱۴)؛ زیرا محتوا و شیوه تحقیق و نگارش این کتاب، ارزشهای یک تحقیق جدید را نسبت به زمان خود نشان میدهد. در ادامه بعد از بررسی احوال میرزا حسن، با این کتاب و اصول تحقیقاتی آن آشنا میشویم.

زندگینامه مؤلف

فارسنامه ناصری، تألیف میرزا حسن حسینی فسایی است. وی از خانواده‌یی قدیمی از سادات یکی از محله‌های قدیمی شهر شیراز، «دشتکی»، بود که با سی و هفت واسطه، «میرزا حسن فرزند میرزا حسن، ابن میرزا مجدالدین محمد صدرالدین، ابن سید علی خان صدرالدین، ابن احمد نظام‌الدین، ابن محمد معصوم...، ابن علی ابن الحسن امیرالمؤمنین ابی طالب علیهم‌السلام»، خود را بحضرت علی (ع) منتسب میدانستند. میرزا حسن آخرین فرزند خانواده، در سال ۱۲۳۷ هـ.ق. در فسا متولد شد؛ اما سه‌ماه پیش از تولد، پدر خود، سید میرزا حسن؛ را از دست داد و مادرش برای زنده نگاه داشتن نام و یاد همسر، آخرین فرزند خود را «حسن» نامید. میرزا حسن تا ده سالگی تحت سرپرستی مادر و سپس برادر ارشد خود بالید و بزرگ شد و نزد آنها به کسب علم و ادب پرداخت؛ تا آنجا که بقول مرحوم میرزا محمد نصیر فرصت حسینی شیرازی «... در فنون عربیه و حکمت الهی و ریاضی و طبیعی، گوی سبقت از امثال و اقران ربود (... (حسینی شیرازی، ۱۳۵۴ هـ.ق.: ۸۴).

پدر میرزا حسن حسینی فسایی، سید میرزا حسن، در سال ۱۱۸۰ هـ.ق. بدنیا آمد و بدلیل داشتن خطی خوش در نستعلیق مشهور بود. سید میرزا حسن در سال ۱۲۳۷ هـ.ق. در فسا درگذشت و در جوار مقبره والد خود، در بقعه میرزا در رونیز علیای فسا، بخاک سپرده شد. مادرش (دختر تاجر شیرازی، معروف به آتشی) نیز در خوشنویسی سرآمد بود. حسینی فسایی درباره مادر خود مینویسد: «... چون حاجی مشارالیه آثار فوز و صلاح را در این دختر بدید، کتب ادعیه و رسائل شرعیه‌اش بیاموخت و این زن از برادر خود آقا کاظم مجتهد، در خانه نحو و صرف و فقه آموخت و پدر او را به خطاطان سپرد و این زن در خط در نسخ و ثلث از خوشنویسان

آثار میرزا حسن حسینی فسایی

آثار میرزا حسن حسینی فسایی، عبارتند از:

- تفسیر حسن، شامل شرحی بر قرآن (چاپ سال ۱۳۱۲ خوشیدی)؛

این تفسیر، قرآنی است، محشی که حسینی فسایی در نوشتن حواشی آن از تفسیر اربعه بهره برده است.

- تحفه احتشامی، شامل پند و اندرز به نظم؛ این کتاب برای احتشامالدوله - سلطان اویس میرزا - پسر معتمدالدوله فرهاد میرزا، سروده شده است (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۱۶۹).

- نقشه مملکت فارس (ترسیم در سال ۱۲۹۵ ه.ق.)؛ میرزا حسن حسینی فسایی، بعد از سیاحت دقیق مملکت فارس، نقشه آن را بصورت پراکنده ترسیم کرد. در سال ۱۲۸۹ ه.ق. به تشویق فرمانروای فارس - سلطان مسعود میرزا - ظل السلطان قاجار، آن نقشه را تنظیم و به او تقدیم کرد. در سال ۱۲۹۳ ه.ق. بفرمان معتمدالدوله فرهاد میرزا، به طول و عرض نقشه افزود و آن را به ناصرالدین شاه قاجار هدیه کرد. بدلیل اهمیت و جایگاه ویژه نقشه، مینورسکی به چاپ مستقل این نقشه اشاره کرده است (حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۷۲: ۳۷۶).

- فارسنامه ناصری.

فارسنامه ناصری که موضوع مورد بحث این نوشتار است، در پی دستور ناصرالدین شاه قاجار، پس از مشاهده «نقشه مملکت فارس»، توسط میرزا حسن حسینی فسایی به نگارش درآمد.

شاه در سال ۱۲۹۶ ه.ق. دست خطی بدین مضمون برای حسینی فسایی نوشت:

«مؤلف نقشه بزرگ مملکت فارس، ترتیب بلوکات و دهات و کوهها و چشمهها و رودخانههای فارس را بوصفی که در نقشه تألیفی خود نگاشته، در کتابی نوشته، وقایع اتفاقیه هر جایی را بمناسبت بنگارد». میرزا حسن چون کتاب را به فرمان ناصرالدین شاه نگاشته بود، در نتیجه کتاب، فارسنامه ناصری

نام گرفت (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: مقدمه مصحح / ۱).

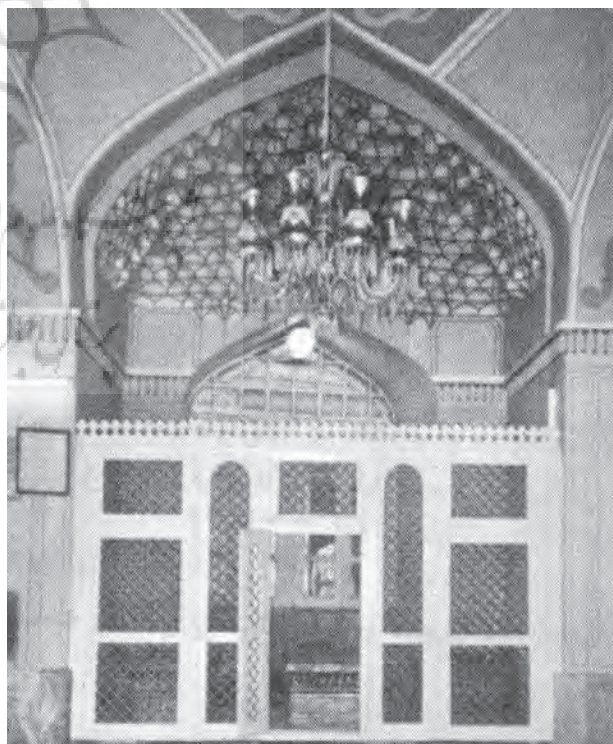
ابیاتی که در ادامه میخوانید، در تأیید این گفتار است:

بدست آورد. حسینی فسایی را باید در زمره خلیج فارس شناسان بومی معاصر ایران دانست. او با بسیاری از بزرگان و دانشمندان منطقه خود از جمله، سدیدالسلطنه دوستی و ارتباط نزدیک داشت (همان، ۱۳۸۲: مقدمه مصحح / ۱).

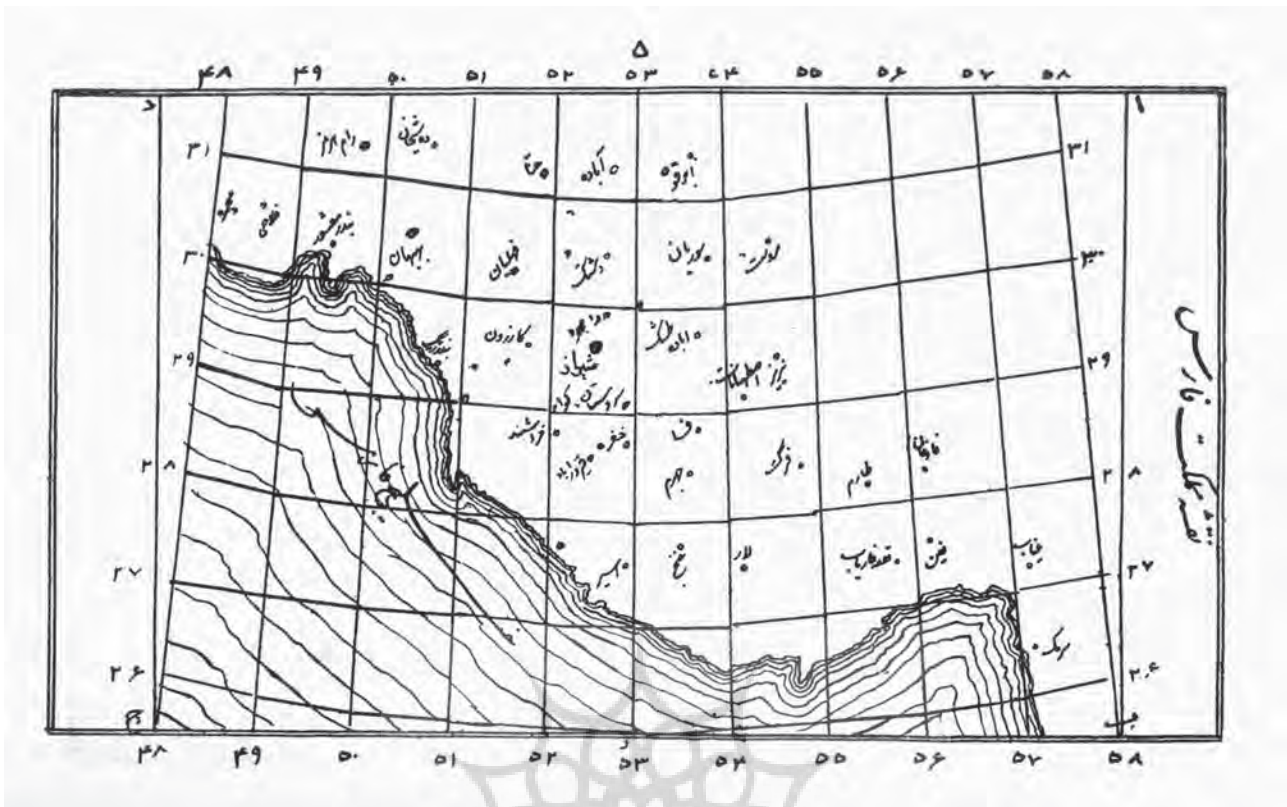
سرانجام میرزا حسن حسینی فسایی در دوازدهم رجب سال ۱۳۱۶ ه.ق. (در سن هفتاد و نه سالگی) در شیراز درگذشت. پیکرش را جوار جد بزرگوارش، بانی و واقف «مدرسه منصوریه» بخاک سپردند. مرحوم نعمت فسایی، شاعر معاصر حسینی فسایی، ماده تاریخ فوت میرزا حسن حسینی فسایی را در مصرع «حسن با پیمبر دگر حشر دارد» در قطعه‌ی چنین آورده است: «...بزرگ قبیل، حسن، شد ز دنیا

که باران رحمت به گورش بیبارد
چو آن پاک فرزند با علم و دانش
کجامادر ده‌ر، دیگر بیبارد
کنون نعمت از بهر تاریخ، گفتا:

حسن با پیمبر دگر حشر دارد ...»
(همان، ۱۳۶۷: ۳۳-۳۲/۱).



آرامگاه حاج میرزا حسن حسینی فسایی، مؤلف کتاب فارسنامه ناصری، در مدرسه منصوریه شیراز؛ مأخذ: (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۳۳/۱).



نقشه مملکت فارس؛ مأخذ: (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۲/۸۹۵).

و جغرافیای تاریخی فارس. میرزا حسن حسینی فسایی کتاب خود را در دو گفتار (گفتار اول و گفتار دوم) و هر گفتار را در یک جلد تنظیم کرده است. گفتار اول دربارهٔ احوال پادشاهان و فرمانروایان و اعیان مملکت فارس از صدر اسلام تا سال ۱۳۱۱ هـ.ق است؛ اما از آنجا که نویسنده دست‌نوشته‌های سال ۱۱۰۰ تا ۱۳۰۰ هـ.ق. خود را مفقود دید، به‌ناچار سال ۱۳۰۰ هـ.ق. را تاریخ پایان جلد اول *فارسنامه ناصری* قرار داد. جلد دوم *فارسنامه ناصری* به بیان «صفحهٔ زمین فارس و آنچه را خدای تعالی بر آن آفریده یا مردم در آن ساخته‌اند»، اختصاص دارد. بدین ترتیب ضمن بیان مقدمات علمیه، به ذکر تقسیم فارس در دورهٔ پیش از اسلام؛ خصائص شیراز و محلات شیراز؛ علما؛ شعرا؛ وزرا؛ بقاع؛ مساجد؛ مدارس و بساتین شیراز و سپس به ترتیب الفبایی بشرح بلوکات فارس، آب و هوا، محصولات و مشاهیر و آثار آنها پرداخته است و در پایان از ایلات مملکت فارس، به ترتیب الفبایی جزایر خلیج فارس؛ چشمه‌ها؛ دریاها؛ دریاچه‌های فارس؛ رودخانه‌ها؛ صحراها و طوایف متفرقه؛ قلعه‌های کوهی؛ کوهها و معادن فارس، سخن رانده و در پایان نیز فهرستی از دهات بلوکات فارس را ضمیمه

«... فارسنامه، فارس را در برگرفت
 زین سخن عاقل نیاید درشگفت
 کوه و صحرا، چشمه و رود و جهات
 طول و عرض و فرسخ و شهر و دهات
 سربسر در فارسنامه گفتمی
 آنچه باید، در معنی سفتمی
 فارسنامه تار و پود از فارس شد
 تار و پود از ریسمان، کرباس شد
 تار و پود فاس چون در هم دوید،
 فارسنامه ناصری آمد پدید
 فارسنامه گریخوانی سربسر
 فارس را بینی تو رنج سفر
 شاه ما در فارس نامد هیچگاه
 فارس را آورده‌ام در پیشگاه ...»
 (حسینی فسایی، ۱۳۶۷: ۲/۱۶۷۵).

ساختار کتاب

فارسنامه ناصری کتابی است، مشتمل بر تاریخ، جغرافیا

از آنجا که «مملکت فارس» در زمان تألیف کتاب، همان فارس بزرگ و تاریخی را شامل می‌شده که یک ایالت ساحلی بوده است، بخشهای زیادی از کتاب بطور مستقیم با سواحل؛ بنادر؛ جزایر و مسائل خلیج فارس در ارتباط است.

جلد یا گفتار اول فارسنامه ناصری، همانطور که اشاره شد، به احوال پادشاهان و فرمانروایان و اعیان مملکت فارس از زمان صدر اسلام تا تاریخ نگارش کتاب اختصاص دارد. این بخش در واقع تاریخ عمومی و محلی فارس است که با تاریخ ایران پیوند دارد. بنابراین، میتوان آن را در شمار تاریخ عمومی بخشی از ایران بحساب آورد؛ زیرا مؤلف در بسیاری از موارد گفتار را از محدوده فارس بیرون برده و شرح کاملتری از آنجا ارائه میدهد. روش نویسنده در این جلد، بیشتر به پژوهشهای سنتی ایرانی - اسلامی شبیه است تا به پژوهشهای جدید. درحالی که روش او در جلد دوم (که به وضعیت زمان خود پرداخته)، به شیوه‌های تحقیقی جدید نزدیک شده است.

حاج میرزا حسن حسینی فسایی برای تنظیم فارسنامه ناصری از منابع فراوان و گسترده‌ی استفاده کرده است که یا به این منابع بطور مستقیم اشاره کرده یا مطالبی را از آنها برگرفته است. بطور کلی منابع فارسنامه ناصری به دو دسته «شفاهی» و «مکتوب» تقسیم میشوند:

منابع شفاهی

این منابع شامل معمرین مورد اعتماد یا مردم آگاه و مطلع، بدون ذکر نام و مشخصات آنها است. بدین ترتیب، منابع شفاهی مربوط به عصر حاج میرزا حسن حسینی فسایی را بدرستی و دقت نمیتوان شناخت؛ اما بطور مسلم، این افراد کسانی هستند که محقق چون مؤلف فارسنامه ناصری، اعتبار کلام و بیان آنها را شناخته و به‌گفتار آنها، بعنوان منابع موثق، اعتماد کرده است.

منابع مکتوب

منابع مکتوب فارسنامه ناصری را میتوان به دو دسته منابع مذکور و منابع غیرمذکور تقسیم کرد. منابع مذکور شامل کتابها و رسالاتی هستند که نویسنده بدلیل اعتباری

آن ساخته است. گفتار دوم هم در سال ۱۳۰۴ هـ.ق به پایان رسید. با وجود این، اشاره‌هایی به سالهای ۱۳۰۹ تا ۱۳۱۱ هـ.ق. در فارسنامه ناصری میتوان یافت. حوزه کتاب فارسنامه ناصری، شامل بخشهایی از سواحل و بنادر خلیج فارس؛ استان فارس استان خوزستان و بخشهایی از استان کرمان امروزی در دوره بعد از اسلام تا اوایل قرن چهاردهم هجری قمری را شامل میشود. گفتار اول فارسنامه ناصری، بخط میرزا محمد خان منشی در سال ۱۳۱۲ هـ.ق. و گفتار دوم آن بخط عبدالرحیم بن محمد علی فیروزکوهی در سال ۱۳۱۳ هـ.ق. به رشته تحریر درآمد و در چاپ افست «رشدیه» به زیور طبع آراسته شد. در ماه جمادی الاول سال ۱۳۱۳ هـ.ق.، نخستین چاپهای هر دو جلد فارسنامه ناصری، برای اولین بار در زمان حیات مؤلف، در «چاپخانه آقا سید مرتضی» در تهران به چاپ رسید (همان، ۱۳۶۷: ۱/۳۹).

در مقدمه گفتار اول فارسنامه آمده است: «در جمادی الاول سال ۱۳۱۳ هـ.ق. در دارالخلافت طهران در کارخانه سیدمرتضی به ید آقا میرزا حسن به حلیه طبع درآمد» (همانجا).

بررسی محتوایی فارسنامه ناصری

مصحح، منصور رستگار فسایی، در ابتدای کتاب نوشته است:

«فارسنامه ناصری، آیینة تمام‌نمای تاریخ و جغرافیای فارس در دوره طولانی بعد از اسلام، تا اوایل قرن چهاردهم هجری قمری است و دقیقترین و نادرترین اطلاعات را درباره مملکت فارس با بیانی ساده و لطیف و گوش‌نواز که از ترکیب طبیعی نثر و نظم فصیح و بلیغ نشأت میگیرد به خوانندگان ارائه میکند و از کلیترین و با اهمیتترین وقایع تا جزئیترین و بظاهر بی‌اهمیتترین، اتفاقات مربوط به این قسمت از سرزمین ایران را با دقت و حوصله و وسواس عجیبی، منعکس میسازد ... فارسنامه ناصری از بدو انتشار مورد توجه کامل دوستداران علم و ادب قرار گرفت و چندبار تجدید طبع شد؛ اما بتدریج بدلیل نوع خط و چاپ، نداشتن فهرستها و توضیحات لازم، مهجور میماند و لازم بود که چاپی جدید و امروزی از این کتاب ارائه شود که نقائص گفته شده را فاقد باشد و بتواند جوانان علاقمند را جلب کند و ارباب تحقیق را مفیدتر افتد...» (همان: ۱/۹).

مرز خرافات گویی و زود باوریهایی ساده لوحانه نزدیک میشود» (همان: ۹۰-۱/۸۹).

بطور کلی مؤلف فارسنامه ناصری در تألیف این کتاب از ۶۱ عنوان، منبع مکتوب استفاده کرده است. مؤلف فارسنامه در عین حال گاهی به ضعف خود در زمینه‌ی معین اشاره میکند؛ بعنوان مثال، در بلوک سرحد شش دانگه (گفتار دوم) مینویسد:

«تمیز و تشخیص هر یک از این نواحی از دیگری بدست نیامد که نگاشته گردید...» (همان، ۱۳۶۷: ۱/۴۲). تمامی منابع فارسنامه ناصری، جنبه تاریخی و جغرافیایی ندارد و بعضی شامل مقدمات علمی؛ اطلاعات ادبی؛ لغت؛ تفسیر و... است.

«فارسنامه ناصری، شاید از معدود کتابهایی باشد که در گفتار اول خود، دقیقاً اوضاع و احوال اجتماعی و حوادث و وقایعی را که دیگر تاریخ‌نویسان متذکر آن نشده یا از آنها به تسامح گذشته‌اند، مشروحاً و دقیقاً مطرح نظر قرار میدهد. در این گفتار نظام حاکم بر جامعه با نظمی منطقی و بهم‌پیوسته با تمام ابعاد زشت و زیبای آن نشان داده میشود، به‌همان اندازه که از سلاطین و بزرگان، وزراء و امراء و حکام و ضابطین و فراشان سخن میرود از علما و دانشمندان و فقها و شعرا و نویسندگان سخن رانده میشود و به‌همان حد که وقایع مهم از قبیل جنگها و تغییر فرمانروایان و قساوتهای ارباب قدرت مطرح میشود، به زندگی طبقات متوسط و فرودین جامعه نیز توجه میشود و حسادتها و رقابتها و توطئه‌ها؛ نیک‌نفسیها؛ خیراندیشیها؛ بخششها؛ در جوار شکنجه‌ها و عذابهای قساوت‌آمیز، مطرح میگردد. از راهزنان؛ سرهنگان؛ شاهزادگان؛ فقها؛ والیان فارس و رجال درجه دوم و سوم در شهرهای کوچک و بزرگ این بخش از کشور سخن میرود و از حرصها و مال‌اندوزیهایی که رمق جامعه را میگیرد؛ از باج‌خواهیها و باج‌دهیهایی که معلول جامعه‌ی استبدادزده و مرعوب است و از روابط سیاسی عصری که استعمار کم‌کم جای پای خود را بصورت‌های مختلف در نواحی مختلف ایران؛ من جمله فارس استوار میسازد و توطئه‌ها و فریبها می‌آفریند، همه و همه در این کتاب با موشکافی سخن میرود. اخلاق

که برای آنها قائل است، بطور مرتب از آنها نام میبرد؛ بعنوان مثال، در جایی از کتاب بضرورت موضوع آورده که در کتاب تاریخ وصاف نوشته است: «... در دولت غازان خان، اهالی شیراز التماس باروئی کردند... شیخ سعدی علیه‌الرحمه فرموده است...» (همان، ۱۳۶۷: ۱/۴۰).

منابع مکتوب غیر مذکور، کتبی هستند که از آنها بدون ذکر نام و مشخصات سخن میرود. گاهی نیز مؤلف فارسنامه از افراد برای نوشتن مطالبی از آنها درخواست کرده و به مشخصات این افراد نیز اشاره داشته است، مانند: «ترجمه خطوط میخی را علی قلی خان مخبرالوله، وزیر علوم ترجمه کرده، برای مؤلف فارسنامه فرستاد...» (همان ۱۳۶۷: ۲/۱۵۳۷).

منابع جلد اول، همان منابع اصلی تاریخ و جغرافیای ایران، مانند سلجوقیان، اثر ابن بی بی؛ تاریخ وصاف، اثر شرف‌الدین عبدالله شیرازی؛ سفرنامه ناصر خسرو؛ تاریخ حزین، اثر حزین لاهیجی؛ تاریخ گزیده حمدالله مستوفی؛ جهان‌نگشای نادری، اثر میرزا مهدی خان منشی استرآبادی و نظایر آن است که شامل، برخی نوشته‌های جدید، مانند جام‌جم فرهاد میرزا؛ تاریخ ایران، اثر سرجان ملکوم و... نیز میشود.

«او مطالب این بخش از کتاب خود را از خلال دهها کتاب تاریخی و به‌استناد دیده‌ها و شنیده‌ها و استنباطات شخصی خویش فراهم می‌آورد و به‌همین جهت بخش اول کتاب او صرف‌نظر از این که تاریخ اجتماعی و سیاسی است، بظهور و افول بسیاری از علما و شعرا و بزرگان؛ حوادث ارضی و سماوی؛ قحط‌سالیها و سالهای فراوانی؛ نبردهای عقیدتی و دشمنیهای قومی؛ آداب و رسوم محلی؛ ویرانیها و آبادانیهای شهرها؛ ایجاد و نابودی مراکز علمی و ادبی و مذهبی و انگیزه‌های شخصی یا اجتماعی این حوادث اشاراتی مشبع و آموزنده دارد و اگرچه در تحت‌تأثیر منابع، گاهی القاب و اوصافی را برای رجال و بزرگان مورد بحث بکار میبرد که بسیار احترام‌انگیز و حتی تملق‌آمیز است؛ اما در ذکر وقایع، کارش روشنگری است، خواننده را فریب نمیدهد و بر حقیقتی سرپوش نمینهد و گفتنیها را میگوید و اخلاق نیک و بد مردم را آنچنان که بوده است، باز مینماید و به‌همین جهت گاهی حتی کلامش به

او همانند محققى خردمند و جستجوگر به گردآوری اطلاعات درباره فارس پرداخته است و سالها رنجی توانفرسا بر خویشان هموار کرده، دههای دور و نزدیک و شهرهای کوچک و بزرگ فارس را در چهارچوبه محدوده فارس شناخته شده آن روزگار، مورد توجه قرار داده است و در این کار نیز نظم و ترتیب و منطق علمی حاکم بر کل کتاب را معمول میدارد. آنچه در گفتار دوم کتاب بوضوح بچشم می آید، آن است که میرزا حسن میکوشد تا بلوک، شهرها و روستاها را بطوری جامع معرفی کند و بقول خودش گفتار دوم را:

در بیان صفحه زمین فارسی و آنچه را خدای تعالی بر آن آفریده یا مردمان ساخته اند، نمودم، مانند شهر شیراز و محلات آن و اعیان هر محله و بقاع و بساتین و بلوکات فارس و قصبات و عرض و طول و سمت قبله مسلمانان آنها و دهات و جهت و نسبت قصبات به شهر شیراز و جهت و نسبت دهات به قصبات پس ایلات فارس و تیره های ایلات و جزائر و چشمه های مشهور و دریاچه و رودخانه ها و قلعه های خداآفرین که بر فراز کوهها آفریده ... پس نام کوههای مشهور فارس؛ پس معدنهای فارس را بوصفی که در نقشه مملکت فارس به اختراع این بنده مرتسم گشته است، بترتیب حروف ایرانی با ملاحظه حرف دوم و سیم؛ بلکه چهارم و پنجم، تا جستن نام هر بلوکی و قصبه و قریه یی و همچنین در سایر چیزها آسان گردد؛ مثلاً اگر بخواهیم، بدانیم که نام بلوک کازرون و قریه نودان کازرون در کجای این فارسنامه است؛ اولاً رجوع بفهرست دهات بلوکات در آخر این کتاب نموده، نودان را در ترتیب نون و واو و دال و الف و نون بخوانیم که از توابع کازرون است؛ پس ملاحظه عنوان کاف و الف و زای و راء؛ یعنی کازرون نموده در عنوان بلوکات جستجو کرده کازرون را بیابیم. پس در ذیل کازرون در عنوان نون و واو و دال و الف و نون، نودان را خواهیم یافت و جهت و نسبت کازرون را نسبت به شیراز و جهت و نسبت نودان را به کازرون معلوم داریم...» (همان، ۱۳۶۷: ۱۱۲-۱۱۱/۱).

آنچه در توضیح و تکمیل این مطالب باید افزوده شود، آن است که میرزا حسن تمام موارد را به اضافه مقدمات علمیه (بجز تعیین انحراف قبله که اغلب جای آن را خالی گذاشته است)، در حد کمال انجام داده است؛ اما بجز آنچه که به

اجتماعی؛ ... و منکرات به همان اندازه به دید می آید که شکنجه ها؛ کله منار ساختنها و چشم کندنها و قتل عامها و غارتها و اسیر گرفتنها. نویسنده فراموش نمیکند که آنان که از قدرت نیز فاصله دارند، چون شعرا و نویسندگان و تجار و مردم عادی محلات حیدری و نعمتی چه مسائلی دارند و چگونه اعمال آنها گاهی در سطح جامعه به فاجعه های شوم و دردانگیز می انجامد و همین گروه نیز تا مجالی میبایند، چگونه بر هم می تازند و کار یکدیگر را میسازند. روابط مال اندوزانه اجتماعی؛ قاضی که مال یتیمان را میبرد؛ عالمی که به شهادت ناروا املاک موقوفه یی را به دیگری میبخشد؛ برادری که بمنظور تصاحب مال برادر او را میکشد و ... ولگردهایی که بر سر مردم می تازند و بر مال و ناموس آنها چیرگی میبایند، همه و همه سطور گفتار اول فارسنامه را به آینه عبرت تاریخ بدل میکنند.

مؤلف فارسنامه مردی است، نکته سنج و علت یاب و تحلیلگر، با زبانی مهربانانه و نرم و لطیف، همچنان که در گفتار اول فارسنامه در ذکر رجال طراز اول از قبیل امراء و وزراء و حکما به بیان القاب مسجع و موزون فراوان مبادرت میورزد» (همان: ۹۲-۹۱/۱).

اما ارزش کتاب فارسنامه ناصری بیشتر به مطالب جلد دوم، مربوط است که در واقع بدنبال همان دستوری که ناصرالدین شاه در تهیه این اثر داده، تهیه شده و بحق، میرزا حسن حسینی فسایی در تألیف این بخش از کتاب «تسعی بلیغ به خرج داده و تلاقی چشمگیر از خود بروز داده است» (همانجا).

بنقل از مقدمه کتاب، جلد یا گفتار دوم ویژگیهای زیر را دارد:

«... در گفتار دوم فارسنامه، میرزا حسن به تبیین و توضیح اوضاع و احوال جغرافیایی و اقلیمی فارس و شهرهای آن میپردازد و پس از بیان مقدمات علمیه از شیراز و خصائص و بناها و بقاع و بساتین و علما و شعراء و وزراء آن سخن میراند و چون به شهرها و بلوکات فارس میرسد، کاری را انجام میدهد که هنوز پس از بیش از صدسال که از تألیف این کتاب میگذرد، مشابهی نیافته است.

آنها اشاره کرده، موارد دیگری را نیز در کتاب باارزش خود آورده که مبین دقت و همه‌جانبگی نگرش میرزا حسن در ارائه اوضاع کامل از شهرها و روستاهاست. این کتاب خیلی زود، بعنوان یک اثر مرجع توجه محققان ایرانی را بخود جلب کرد (حکمت، ۱۳۴۲: ۴۵-۴۱).

آنچه کتاب *فارسنامه ناصری* را در ردیف تحقیقات جدید قرار داده و آن را از نوشته‌های پیش از خود متمایز کرده، توجه حسینی فسایی به موضوعاتی، مانند «ایل پژوهشی کرانه‌ها و پس‌کرانه‌های خلیج فارس است که ارزش زیادی دارد (بلوکباشی، ۱۳۴۸: ۳۷-۳۳). در نتیجه شاهد استفاده گسترده از *فارسنامه*، بعنوان یک منبع مهم در موضوعات مختلف مربوط به خلیج فارس هستیم.^۲

نتیجه

جایگاه کتاب *فارسنامه ناصری* را در مطالعات خلیج فارس میتوان به شرح زیر برشمرد:

- کتاب *فارسنامه ناصری* باتوجه به تاریخ نگارش (پایان تألیف: سال ۱۳۰۴ هـ.ق.)، در زمره نخستین آثار مرتبط با خلیج فارس شناسی در دوست سال گذشته است. بنابراین میرزا حسن حسینی فسایی را باید در شمار پیشکسوتان مطالعات خلیج فارس شناسی در زمان خود در ایران دانست.
- روش تدوین *فارسنامه ناصری*، با توجه به ساختار درونی در نقطه انتقال تألیف کتاب، بشیوه قدما و روشهای جدید است. کتاب از حیث محتوا، بویژه در گفتار (جلد اول از همان الگوی تاریخ‌نگاری

اسلامی - ایرانی پیروی کرده است؛ یعنی، همانند دیگر تواریخ محلی که شمارشان اندک نیست، وقایع منطقه فارس را از رحلت حضرت رسول (ص) تا روزگار نویسندگان، بنا به توالی زمانی آورده است. نحوه ارائه مطالب نیز به همان شیوه تاریخ‌نگاری اسلامی است (انوری، ۱۳۹۰: ۴۱۴). مطالب فراوان جغرافیایی کتاب نیز شبیه به آثار جغرافیای اسلامی، مانند *نزهة القلوب*، اثر *حمدالله مستوفی* است. هر چند بنا به زمان نگارش، شکل تکامل یافته‌تری دارد؛ اما مطالب گفتار (جلد دوم از شیوه‌های سنتی، فاصله گرفته و دیدگاههای یک اندیشمند معاصر را میتوان در آن یافت. همچنین نباید از نظر دور داشت که میرزا حسن خان با نوشته‌ها و تحقیقهای جدید عصر خود نیز آشنایی داشته است. از همین‌روست که گاه خواننده با تحلیلهایی در کتاب روبرو میشود که برگرفته از بینشهای جدید است. با این همه چنانچه *فارسنامه ناصری* را اثری در حوزه تحقیقهای روشمند جدید بدانیم، راهی بخطا رفته‌ایم. بنابراین، کتاب در فاصله بیانی و انتقالی نگاشته‌های قدیم به تحقیقهای جدید قرار گرفته است. نوشته‌هایش از حیث مطالعات خلیج فارس بسیار ارزنده و در تاریخ خود مرجع شمرده میشود. منابع *فارسنامه ناصری*، عموماً منابع تاریخ و جغرافیای اسلام و ایران و تواریخ محلی هستند. از نوشته‌های غربی، مانند *تاریخ ایران* تألیف *سرجان ملکم* در میان تعداد ۶۱ منبعی که مصحح در ابتدای کتاب فهرست کرده است، انگشت شمارند. *فارسنامه ناصری*، بتصحیح و تحشیه عالمانه، منصور رستگار فسایی، بطور کامل توسط «انتشارات امیرکبیر» در سال ۱۳۶۷ به چاپ رسید. همانطور که پیشتر گفته شد، نخستین چاپهای *فارسنامه ناصری* در سالهای ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ هـ.ق. و در زمان حیات مؤلف صورت پذیرفته است.

- *فارسنامه ناصری*، اثری است کاملاً مرتبط با خلیج فارس و ناحیه پس‌کرانه‌بی مهم آن (ایالت فارس) و بنابراین در بررسیها، با توجه به تاریخ نگارش آن بخودی خود دارای اهمیت است. حجم مطالب (۱۶۷۹ صفحه،

۲. برای آگاهی بیشتر ن.ک. به: خیراندیش، عبدالرسول؛ «حاج میرزا حسن فسایی و مسئله اوقاف مدرسه منصوریه»، کتاب *ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره سی و نه، دیماه ۱۳۷۹، صص ۱۷-۱۳؛ نیز ن.ک. به: رحیملو، یوسف؛ «سیر تاریخ‌نگاری محلی ایالت فارس»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، شماره چهارم، بهار ۱۳۸۴، صص ۱۲-۱؛ همچنین ن.ک. به: سینایی، سید عطالله؛ «ایلات، طوائف و هویت ایرانی»، *مطالعات ملی*، شماره پنجاه و دو، زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۰۶-۸۱ و نیز وثوقی، محمدباقر؛ «نیروی دریایی ایران در دوره قاجار»، *تاریخ روابط خارجی*، شماره سی و شش، پاییز ۱۳۸۷، صص ۱۴۶-۱۲۲.

- سدیدالسلطنه، محمدعلی خان؛ *سفرنامه سدیدالسلطنه*،
بتصحیح احمد اقتداری، تهران: انتشارات به‌نشر، ۱۳۶۲.
- حسینی شیرازی، فرصت؛ *آثار العجم*، بمبئی: عبدالله طهرانی،
۱۳۵۴ ه.ق.

مقاله

- انوری، امیرهوشنگ؛ «بررسی روند تاریخی آگاهی یافتگی
ایرانیان نسبت به اهمیت خلیج فارس»، مجموعه مقالات هفتمین
همایش خلیج همیشه فارس، به کوشش منوچهر جهانبیان و احمد
پوراحمد، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۰.

- بلوکباشی، علی؛ «ایل پژوهی میرزا حسین فسایی در
جغرافیای تاریخی فارسنامه ناصری»، *نشر دانش*، سال بیست و
یکم، شماره چهارم، ۱۳۸۴.

- حکمت، حسن علی؛ «*فارسنامه ناصری*»، *مجله وحید*، شماره
سوم، اسفند ۱۳۴۲.

- خیراندیش، عبدالرسول؛ «حاج میرزا حسن فسایی و مسئله
اوقاف مدرسه منصوریه»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، شماره سی و
نهم، دیماه ۱۳۷۹.

- رحیملو، یوسف؛ «سیر تاریخ‌نگاری محلی ایالت فارس»،
مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه الزهرا، شماره چهارم،
بهار ۱۳۸۴.

- سینایی، سید عطالله؛ «ایلات، طوائف و هویت ایرانی»،
مطالعات ملی، شماره پنجاه و دوم، زمستان ۱۳۹۱.

- وثوقی، محمدباقر؛ «نیروی دریایی ایران در دوره قاجار»،
تاریخ روابط خارجی، شماره سی و ششم، پاییز ۱۳۸۷.

بدون در نظر گرفتن فهرستها و در مجموع ۲۱۷۹
صفحه)، نشان از کتابی پر از مطالب با ارزش دارد که
این ویژگی اهمیت آن را دو چندان کرده است.

• اطلاعات آن در بسیاری از موارد، خاصه در گفتار
دوم، تنها مرجع و یا بعبارتی، مهمترین مرجع
حال حاضر و در دسترس است؛ مثلاً هر فردی که
قصد مطالعه وضعیت بلوکات فارس را در اوایل قرن
چهاردهم هجری قمری دارد، بدون مراجعه به کتاب
حسینی فسایی، کاری دقیق و سنجیده ارائه نخواهد
داد. بنابراین *فارسنامه ناصری*، یک مرجع بسیار مهم
درباره خلیج فارس است و در موضوعات اقتصادی
و اجتماعی منبع قوی و ارزشمندی بشمار می‌آید.
همچنین مطالب کتاب در حوزه‌های اطلاعاتی دیگر،
مانند جمعیت‌شناسی نیز کاربرد فراوان دارد.

• نقشه پیوست کتاب درباره خلیج فارس و ایالت فارس
نیز با توجه به تاریخ تهیه و اطلاعات بدست آمده شده،
دارای اهمیت زیادی است.

• نکته دیگر تصحیح و تحقیق قابل توجه منصور رستگار
فسایی بر کتاب است. تحشیه و تعلیقه‌های کتاب، کافی
و بجاست. فهرستهای چندگانه و مفصل پایانی نیز بر
ارزش مطالعاتی کتاب افزوده است.

منابع کتاب

- *حدود العالم من المشرق الى المغرب*؛ با مقدمه بارتولد و
حواشی و تعلیقات مینورسکی، ترجمه میرحسین شاه، تهران:
دانشگاه الزهرا، ۱۳۷۲.

- حسینی فسایی، میرزا حسن؛ *فارسنامه ناصری*، بتصحیح
منصور رستگار فسایی، تهران: امیر کبیر، دوجلد، ۱۳۶۷.

- _____؛ *فارسنامه ناصری*، بتصحیح منصور رستگار فسایی،
تهران: امیر کبیر، دو جلد، چاپ سوم، ۱۳۸۲.